

## تحول در بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی و نسبت آن با کودک همسری در دوره جمهوری اسلامی

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/jeds.2023.56542.1726

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

فرامرز تقی‌لو<sup>۱\*</sup>

فاطمه حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

بازنمایی زن در گفتمان‌های مختلف اسلامی در ایران معاصر به صورت‌های مختلفی متجلی می‌شود و به تغییر وضعیت عینی زنان و دختران منجر می‌شود. پژوهش حاضر ضمن مطالعه نحوه بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی معاصر بویژه دوره جمهوری اسلامی، به تحلیل این مساله می‌پردازد که چگونه گفتمان‌های اسلام سنتی و اسلام سیاسی در حوزه زنان در رقابت با گفتمان‌های مدرن، نواندیشی دینی و اصلاح طلبی قرار می‌گیرند و مطابق با آن چگونه بازنمایی زن بر مبنای کنترل هر چه بیشتر بر بدن زنانه با تاکید بر ازدواج زودهنگام، نقش مادری و فرزندآوری در رقابت با بازنمایی زن بر مبنای آزادی نسبی و کنترل هر چه کمتر بر تن زنانه، برابری جنسیتی، مشارکت اجتماعی و افزایش سن ازدواج، قرار گرفته است. سوال این است که گفتمان‌های اسلامی در بازنمایی مفهوم زن و رویارویی با مساله ازدواج زودهنگام یا کودک همسری چگونه صورت‌بندی شده‌اند؟ زمینه‌ها و دلایل تحول گفتمانی و علل و عوامل دخیل در آن چه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که گفتمان غالب در ادوار مختلف از تحول برخوردار شده و منحنی این تحول گرایش این گفتمان را به دخالت هر چه بیشتر در تثبیت نظام معنایی خود در تعریف سنتی از زنان و برنامه ریزی برای افزایش ازدواج و فرزندآوری در سن زیر ۱۸ سال، در تقابل با گفتمان‌های مدرن و نواندیشی دینی نشانده است. در مقاله از روش تحلیل گفتمان بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف برای بررسی یکی از مسائل اصلی زنان در ایران یعنی کودک همسری بهره گرفته ایم.

**واژه‌های کلیدی:** گفتمان، اسلام، زن، کودک همسری، جمهوری اسلامی

f.taghilou@tabrizu.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز ایران.

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز ایران.

## مقدمه

جامعه ایرانی معاصر از عصر انقلاب مشروطه به بعد تحت تاثیر تحولات جدید در جوامع غربی یا آنچه از آن غالباً با عنوان مدرنیته یاد می‌شود، قرار گرفته است. از عمده ترین چالش‌ها در فرایند تحولات اجتماعی و سیاسی ناشی از رویارویی با مدرنیته در جامعه ایرانی معاصر، مساله زنان از جهت مفهوم، نقش و جایگاه و نسبت آنها با مردان در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است. نظام‌های معنایی یا گفتمان‌های مدرن به ارائه تعریفی از زن در اجتماع پرداخته‌اند که در تقابل با تعریف مرسوم یا سنتی از زن در جامعه ایرانی شیعی قرار گرفته است. نظام معنایی یا گفتمان اسلام شیعی در جامعه ایران معاصر، سعی داشته است که در تعریف و تثبیت مفهوم و جایگاه زن در جامعه، ضمن صیانت از اصول و ارزش‌های خود در مقابل غلبه گفتمان مدرن، در تقابل با آن قرار گرفته و آن را طرد و به حاشیه براند. گفتمان اسلام شیعی در این تلاش خود برای رقابت با گفتمان مدرن، خود دچار تحول و دگرگونی و به تبع آن بازتعریف مفهوم و جایگاه زن در اجتماع شده است و بدین ترتیب گفتمان‌های رقیب اسلامی ظهور و بروز یافته‌اند که هر کدام سعی داشته‌اند با ارائه تعریف خود از اسلام راستین، جایگاه زن را از جهت مسائل مختلف مربوط به ازدواج و حقوق و قوانین ناظر بر آن، خانواده و ساختار آن، مشارکت و حضور زنان در حوزه خصوصی یا عمومی، کنش‌گری اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی و ... تعریف و بازتعریف نمایند.

جامعه در حال گذار ایران معاصر در دوره پسامشروطه، از یک سو شاهد بروز تغییراتی در افکار و اندیشه‌ها و ظهور اندیشه‌های جدید بویژه درباره زنان و جایگاه اجتماعی آنان بوده است که خود در مقابل موجب ظهور اندیشه‌های محافظه کارانه سنتی و اسلامی در مخالفت با بروز این تغییرات جدید بوده است و از سویی دیگر با نظر به تحول در ساخت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که مستلزم بازتعریف جایگاه زنان در این ساخت‌یابی جدید بوده است، وضعیت زنان و دختران در جامعه ایرانی، وضعیتی تعرض آلود و مشکله‌وار پیدا کرده است. در چنین وضعیتی گفتمان سنتی در عین تمرکز حول محور دال‌هایی همچون حجاب، ناموس، غیرت، ازدواج زود هنگام، مادری، فرزندآوری و خانه‌داری، بر نقش و جایگاه عمومی زنان و دختران با تاکید بر حجاب و فاصله گذاری با نامحرم و در جهت خدمت به ارزش‌های گفتمان سنتی تاکید می‌ورزد. این در حالیست که گفتمان‌های مدرن در طیف‌های مختلف آن بر محور دال‌هایی همچون آزادی فردی، برابری، حق آموزش و بهداشت، حضور در عرصه عمومی و فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان و دختران متمرکز می‌شوند و از این رو در زمینه ازدواج و فرزندآوری در تقابل با مساله ازدواج زود هنگام دختران زیر ۱۵ یا ۱۸ سال بوده‌اند.

در این میان یکی از مسائل چالش برانگیز، مساله سن ازدواج بویژه برای دختران با نظر به پیامدهای مختلف فردی و اجتماعی آن و همچنین حقوق و آزادی دختران در این زمینه بوده

است. پژوهش حاضر ضمن مطالعه نحوه بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی معاصر بویژه دوره جمهوری اسلامی، به تحلیل این مساله می‌پردازد که چگونه گفتمان‌های اسلام سنتی و اسلام سیاسی در حوزه زنان در رقابت با گفتمان‌های مدرن، نواندیشی دینی و اصلاح‌طلبی قرار می‌گیرند و مطابق با آن چگونه بازنمایی زن بر مبنای کنترل هرچه بیشتر بر بدن زنانه با تاکید بر ازدواج زود هنگام، نقش مادری و فرزندآوری در رقابت با بازنمایی زن بر مبنای آزادی نسبی و کنترل هر چه کمتر بر تن زنانه، برابری جنسیتی، مشارکت اجتماعی و افزایش سن ازدواج، قرار گرفته است. سوال این است که گفتمان‌های اسلامی در بازنمایی مفهوم زن و رویارویی با مساله ازدواج زود هنگام یا کودک همسری چگونه صورت‌بندی شده‌اند؟ زمینه‌ها و دلایل تحول گفتمانی و علل و عوامل دخیل در آن چه بوده است؟ فرضیه پژوهش این است که گفتمان غالب در ادوار مختلف از تحول برخوردار شده و منحنی این تحول گرایش این گفتمان را به دخالت هر چه بیشتر در تثبیت نظام معنایی خود در تعریف سنتی از زنان و برنامه ریزی برای افزایش ازدواج و فرزندآوری در حداقل سن، در تقابل با گفتمان‌های مدرن و نو اندیشی دینی کشانده است.

### روش‌شناسی و مبانی نظری پژوهش

در این مقاله، با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان مطابق با رویکرد لاکلا و موف به نظریه گفتمان، در صدد تحلیل سیر تحول و چگونگی بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی ایران معاصر و نسبت آنها با تحول مفهوم کودک همسری بوده‌ایم. از این رو، پس از مروری موجز بر روش تحلیل گفتمان و نحوه کاربست آن در تحلیل چگونگی بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی، در متن مقاله به تحلیل سیر تحول بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی و نسبت آن با کودک همسری می‌پردازیم. مهمترین عناصر روش تحلیل گفتمان در قالب نظریه گفتمان لاکلا و موف که موضوع مقاله مطابق با آن تحلیل شده است، شامل عناصر محوری به شرح زیر می‌شود که بطور خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد. ۱- دال و مدلول: دال‌ها شامل مفاهیم، عبارات و نمادهایی هستند که در چارچوب گفتمانی خاصی بر معانی ویژه دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. برای مثال، دال‌هایی همچون زن، مرد، همسر، شوهر، حوزه خصوصی، حوزه عمومی، ازدواج، خانه داری، فعالیت بیرون از خانه، مادری، فرزندآوری، بدن زنانه، حجاب، بی‌حجابی، حیا، غیرت و... همه دال‌هایی هستند که بنا به تغییر و تحول گفتمان‌ها مدلول‌ها یا مصداق‌های مشخص، خاص یا متفاوت پیدا می‌کنند. ۲- مفصل بندی: براساس نظریه گفتمان لاکلا و موف مفصل‌بندی عبارت از تلفیقی از عناصری است که با قرار گرفتن در یک مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا می‌کنند (یورگسن و

۱. Signifier and the Signified

۲. Articulation

فیلیپس، ۱۴۰۰: ۵۶). در مفصل‌بندی گفتمان‌های اسلامی درباره زنان عناصری همچون اسلام، شرع، عقل، حجاب، حیا، غیرت، خصوصی، عمومی، فرزندآوری، مشارکت اجتماعی یا سیاسی و... در ترکیب‌ها و تلفیق‌های متفاوتی که در رابطه با همدیگر در قالب یک ساختار زبانی پیدا می‌کنند، مفصل‌بندی گفتمان‌های اسلامی درباره زنان را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، این کلیت ساختار یافته، ناشی از عمل مفصل‌بندی‌ها را گفتمان<sup>۱</sup> می‌گویند. ۳- بعد<sup>۲</sup>: مواضع مبتنی بر تفاوت را تا زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشد را بعد گویند. برای مثال دال شرع یا عقل و نسبت آنها با دال زنانگی، خصوصی، عمومی، همسری، فرزندآوری، سن ازدواج و... در هر کدام از گفتمان‌های اسلامی اصول گرا یا اصلاح طلب حاوی بعد متفاوتی هستند که تقابل یا تخصیص میان گفتمان‌ها از آنها ناشی می‌شود. ۴- عنصر<sup>۳</sup> (وقته): هر تفاوتی، را که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد عنصر گفته می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۴۰۰: ۵۶). همچون دال زن، همسری، سن ازدواج یا فرزندآوری در فضایی بیرون از گفتمان‌های رقیب که هر گفتمان رقیبی می‌تواند معنا یا مدلول خاص خود را بر آن بار کند.

۵- دال مرکزی<sup>۴</sup>: یا نقطه مرکزی، نشانه یا دال برجسته متمایزی است که دال‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. این مفهوم را لاکلا و موف از دال برتر لاکان وام گرفته‌اند (افضلی و زمانی، ۱۴۰۰: ۳۰۰). همانند مفهوم اسلام ناب یا اسلام رحمانی به مثابه دال مرکزی که در سایه آن دال‌های دیگر همچون زن مسلمان تعریف می‌شوند. ۶- میدان گفتمانی یا گفتمان گونگی<sup>۵</sup>: همه آن چیزهایی است که خارج از یک گفتمان قرار دارند و همچنین تمامی آنچه یک گفتمان طرد کرده است. هر نشانه (مدلول) ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به طور طبیعی، یکی از معانی را بر حسب هم خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌کند و آن معانی نشانه‌ها که از گفتمان طرد شده‌اند، حوزه گفتمان گونگی می‌نامند (لاکلا و موف<sup>۶</sup>، ۱۹۸۵: ۱۱۱). همچون مفهوم آزادی، مسئولیت، عدالت، برابری، حق یا تکلیف و... زنان که در میدان گفتمان گونگی جامعه ایران بعد از انقلاب قرار داشته و هر کدام از گفتمان‌های رقیب آنها را در قالب ساختار و مفصل‌بندی خاص خود قرار داده و یا طرد کرده‌اند. ۷- دال‌های سیار<sup>۷</sup>: یا دال شناور، دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است. و به عبارت دیگر، مدلول‌های مختلف دارد و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود به آن، باهم رقابت می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۸). همچون مفهوم آزادی زن در اسلام که

۱. Discourse

۲. Moment

۳. Elements

۴. Nodal Point

۵. Field Of Discursivity

۶. Laclau and Mouffe

۷. Floating Sinifiers

مدلول آزادی مثبت یا منفی بدان منتسب می‌شود. ۹- کشمکش و تعارض معانی<sup>۱</sup>: نیز به معنای منازعه گفتمانی است که بر سر شکل دادن به ساختارها و نسبت دادن معانی به تک تک دال‌ها یا نشانه‌ها صورت می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۱: ۹۵)

۱۰- فرآیند ساختن، حفظ کردن و بازتولید مجموعه‌های مقتدرانه معنایی و عملکردی را هژمونی گفتمانی گویند. اما این هژمونی یا سلطه همواره ناقص و موقتی و به عنوان یک تعادل ناپایدار حاصل می‌شود. این امر زمانی ممکن خواهد شد که یک گفتمان خاص در خلال بحرانی خاص شکل گرفته و بتواند شدت بحران اجتماعی را از طریق ایجاد نظم و نظام معنایی جدیدی به لحاظ معنایی، بازتولید و توجیه کند (افضلی و زمانی، ۱۴۰۰: ۳۰۰). همانند هژمونی گفتمان اسلام ناب فقهاتی در دهه شصت و هژمونی گفتمان اسلام رحمانی یا اسلام دمکراتیک در دهه هفتاد و هشتاد ۱۱- ساختار شکنی<sup>۲</sup>: به گونه‌ای هم پا در کنار مفهوم هژمونی قرار دارد و با انتساب مدلول و معنایی دیگر به نشانه، مدلولی را که گفتمان رقیب به آن دال چسبانده بود، دور می‌کند و آن دال را باز تعریف می‌کند و به این ترتیب، هژمونی آن گفتمان را می‌شکند (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۴). ۱۲- بی‌قراری و تزلزل<sup>۳</sup>: به حوادثی اشاره دارد که توان به چالش کشیدن هژمونی و همینه گفتمان‌ها را دارند. هیچ گفتمانی نمی‌تواند به طور کامل تثبیت شود و همیشه در یک طیفی از تثبیت کامل تا بی‌قراری و زوال کامل در تردد است (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). ۱۳- هویت<sup>۴</sup>: تعریف فرد از منظر گفتمانی از طریق بازنمایی در یگ گفتمان و انتساب به یک موقعیت گفتمانی تحقق می‌یابد (قاسمی و نوابخش، ۱۳۹۶: ۱۰). ۱۴- تمایز و غیریت سازی<sup>۵</sup>: (به معنی نزاع بر سر خلق معنا است که خود نیروی پیش برنده گفتمان است. هر گفتمانی با گفتمان‌های دیگر در حال نزاع و غیریت سازی است و سعی می‌کند که واقعیت را آن گونه که خود می‌خواهد تعریف کند (سلطانی، ۱۳۹۲: ۹۴). همچون مدلول زن مسلمان ایده آل که هر گفتمانی با انتساب مدلول خاص خود به آن، تمایز و غیرسازی آن را از دیگران انجام می‌دهد. ۱۵- برجسته سازی و حاشیه رانی<sup>۶</sup>: نیز با مفهوم تخصیص و غیریت سازی ارتباط دارد. در منازعات گفتمانی هر گفتمان با برجسته کردن نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب و با حاشیه راندن نقاط ضعف خود و نقاط قوت رقیب، سعی دارد هاله‌ای از قدرت دست نیافتنی (هژمونی) به اطراف خود بکشد (مقدمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). ۱۶- امکان و تصادف<sup>۷</sup>: نیز اشاره دارد به اینکه سوژه در موقعیت‌های خاصی می‌تواند هویت‌های مختلفی بیابد. در نتیجه، هر هویتی امری

۱. Antagonism

۲. Deconstruction

۳. Dislocation

۴. Identity

۵. Otherness Difference and

۶. Marginalization

۷. Contingency

تصادفی است- یعنی امری ممکن است و نه ذاتی و ضروری (یورگنسن و فیلیپس، ۱۴۰۰: ۸۴). با بهره‌گیری از روش و مفاهیم تحلیل گفتمانی فوق، محور تحلیل مقاله، چگونگی قرارگیری و بازنمایی دال زن در درون هر گفتمان از جهت جایگاه آن در خانواده، اجتماع، اقتصاد، سیاست و از حیث تبعیت، انقیاد، حقوق، آزادی و بویژه مساله سن ازدواج و وقوع کودک همسری ... است تا بدین ترتیب پیامدهای مربوط به انواع الگوهای قرارگیری و بازنمایی زن در گفتمان‌های رقیب اسلامی در ایران معاصر، در مفهوم پردازی ازدواج زود هنگام و مساله کودک همسری نمایانده شود.

### پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌های صورت گرفته درباره مساله زن و کودک همسری در جامعه ایران معاصر، به دو دسته از آثار برمی‌خوریم. دسته اول آثاری که به تحلیل جایگاه زنان در نظام‌های معنایی و گفتمانی جامعه ایران پرداخته‌اند و دسته دوم آثاری که به تحلیل مساله کودک همسری و زمینه‌ها و عوامل اجتماعی موثر بر آن پرداخته‌اند. از این رو، نسبت میان گفتمان‌های ناظر بر زنان و موضوع سن ازدواج یا کودک همسری مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است. با مروری گذرا به اهم پژوهش‌های صورت گرفته درباره زنان و کودک همسری در ایران، اهمیت پژوهش حاضر در تحلیل رابطه میان گفتمان‌های ناظر بر زنان و مساله کودک همسری در ایران روشن خواهد شد.

دسته اول شامل پژوهش‌هایی همچون اثر علی اردستانی و صدیقه یوسف مدد (۱۳۹۸) است که در مقاله خود با عنوان: گفتمان اسلام سیاسی و ظهور هویت زنانه در دوره پهلوی، به تحلیل نحوه بازنمایی زن در گفتمان در حال ظهور اسلام سیاسی در عصر پهلوی پرداخته است، لکن نسبت این بازنمایی با مساله کودک همسری بررسی و تحلیل نشده است. همچنین امیرعظیمی دولت آبادی و پروین علی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان: تحلیل جایگاه زنان در خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی، به تحلیل بازنمایی‌های زن در گفتمان‌های اسلامی عصر جمهوری اسلامی بدون اشاره به نسبت آن با موضوع کودک همسری پرداخته‌اند. مرضیه بهرامی برومند (۱۳۹۵) نیز در آثار خود با عنوان: دیگری در اندرونی و همچنین: از زنان پرده نشین تا بدن‌های رام، به تحلیل صرف نظام معنایی و گفتمانی حاکم بر جامعه ایران در مورد زنان پرداخته‌اند. فاطمه صادقی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان: زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب، به تحلیل گفتمان‌های غالب و گفتمان‌های مقاومت در زمینه زنان پرداخته‌اند و اشاره‌ای به موضوع کودک همسری نداشته‌اند. یارمحمد قاسمی و مهرداد نوابخش (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان: جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی: با تاکید بر گفتمان امام خمینی، به تحلیل نحوه بازنمایی زن در گفتمان‌های رقیب در عصر جمهوری اسلامی با تاکید بر گفتمان اسلام سیاسی به رهبری امام خمینی پرداخته‌اند. محمد سالار کسرایی و مریم طهماسبی

(۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان: گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی)، به تحلیل گفتمان‌های اسلامی ناظر بر زنان در عصر جمهوری اسلامی بدون اشاره به رابطه آن با کودک همسری پرداخته‌اند. محمد تقی کرمی قهپی (۱۳۹۱) نیز در مقاله خود با عنوان: تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، به تحلیل گفتمانی برنامه‌های توسعه در دوره جمهوری اسلامی با محوریت مسائل زنان پرداخته، لکن بصورت مشخص به تحلیل رابطه این گفتمان‌ها با مساله کودک همسری نپرداخته است.

دسته دوم از پژوهش‌ها شامل پژوهش‌هایی همچون اثر کامیل احمدی (۱۳۹۶) با عنوان: طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران، به بررسی مساله کودک همسری پرداخته لکن رابطه آن را با گفتمان‌های ناظر بر زنان تحلیل نکرده‌اند. رایحه مظفریان (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان: گره ازدواج زود هنگام در ایران، به بررسی و تحلیل مساله کودک همسری و عوامل موثر بر آن پرداخته، لکن رابطه یا تاثیر گفتمان‌ها بر آن را مورد بحث قرار نداده است. شهیندخت ملاوردی (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان: پدیده‌ی نوظهور کودک بیوه، به تحلیل مساله کودک همسری و معضلات ناشی از آن همچون وقوع پدیده کودک بیوه پرداخته‌اند، ولی نسبت آن با گفتمان‌های زنان در ایران را تحلیل نکرده‌اند. زهرا جعفری (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با عنوان: تدوین لایحه‌ای جدید برای مقابله با کودک همسری، ضرورت رویارویی قانونی با پدیده کودک همسری را مورد بحث و تحلیل قرار داده‌اند. تارا ریحانی (۱۳۹۹) نیز در مقاله خود با عنوان: بررسی جایگاه نهادهای قانون‌گذار در کاهش پدیده کودک همسری در ایران به تحلیل ضرورت مواجهه قانونی با پدیده کودک همسری پرداخته‌اند. در ژورنال‌های بین‌المللی نیز، مساله کودک همسری در ایران از جانب برخی از پژوهشگران ایرانی منتشر شده است. همچون مقاله شامین اصغری (اصغری، ۲۰۱۹) با عنوان: ازدواج زود هنگام در ایران: رویکردی پراگماتیک، که به تحلیل وضعیت کودک همسری، علل و عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن می‌پردازد و در عین حال نسبت آن را با تحول گفتمان‌های دینی مورد ارزیابی قرار نداده است. شیلان درگاهی (درگاهی و شیلان، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) نیز همانند اصغری به تحلیل جوانب مختلف کودک همسری از جهات مختلف پرداخته، لکن اشاره‌ای به رابطه آن با تحول گفتمان‌های دینی در جامعه ایران نداشته است.

در بررسی پیشینه تجربی و تحقیقات میدانی در زمینه وضعیت دختران و کودک همسری به برخی از آثار منتشر شده در مجلات علمی بر می‌خوریم که صرفاً مساله کودک همسری را مورد توجه قرار داده و رابطه آن با تحول گفتمان‌های دینی را ملحوظ نداشته‌اند. زهرا افتخارزاده (افتخارزاده، ۱۳۹۴) به مطالعه کیفی با تمرکز بر تجربه زندگی در ازدواج زود هنگام پرداخته و هدف خود را دسترسی به تجربیات زندگی زنانی در نظر گرفته است که در کودکی ازدواج کرده‌اند. نتایج وی نشان می‌دهد که ازدواج زود هنگام می‌تواند یک عامل مثبت در بروز خشونت

خانگی و ترک تحصیل دختران باشد. ازدواج زودهنگام اغلب باعث استثمار کار زن از جمله کار خانگی، روستایی یا اشتغال خارج از منزل می‌شود. فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی مهم‌ترین عوامل رخداد ازدواج زودهنگام در نمونه مورد مطالعه بوده است. سعیده سعیدی (سعیدی، ۱۳۹۶) نیز به بررسی مردم نگارانه پدیده ازدواج زودهنگام در میان مهاجران افغان پرداخته و به مشکلات ناشی از آن همچون طلاق، مرگ و میر کودک مادران پرداخته و دلایل بروز این پدیده را در فقر، نابرابری جنسیتی، رویه‌های فرهنگی سنتی، بی‌سوادی و ناامنی جستجو کرده است. محمد مهدی مقدادی و مریم جوادیپور (مقدادی و جوادیپور، ۱۳۹۶) به تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود. از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به بیماری‌های جسمی، روحی و روانی، افزایش حاملگی و زایمان زودرس و... شود. حنانه سادات صفوی و ماه گل مینایی (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴) به بررسی تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر با تمرکز بر ازدواج زودهنگام دختران شهر آران بیدگل پرداخته‌اند. مطابق با تحلیل نویسندگان، از آنجایی که ازدواج دختران کودک با تصمیم والدین و بدون رسیدن آنان به سن تشخیص عقلانی صورت گرفته است، آنها حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی، نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیان‌شان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. از سوی دیگر، به دلیل آموزش ندیدن در زمینه مسائل جنسی، بارداری در سنین پایین زمینه ساز مشکلات جسمی و روانی برای این افراد بوده است.

### زن در گفتمان اسلام سنتی و چالش مدرنیته

تحلیل تصویر بازنموده زن در گفتمان اسلام سنتی در ایران عصر پسا مشروطه برای فهم سیر تحولات بازنمایی زن در گفتمان‌های عصر پهلوی و جمهوری اسلامی ضروری است. گفتمان اسلام سنتی، حول محور «مادر و دختر محجبه خانه دار، عفاف، باحیا، متشرع و مطیع شوهر و پدر» به مثابه دال مرکزی که حائز بالاترین ارزش در صورت‌بندی گفتمانی است، شکل می‌گیرد. در گفتمان سنتی و پدرسالار؛ اصل حاکم اقتدار، پدر، شوهر، مردان ارشد خانواده بر زنان و دختران و کودکان است، چنانکه اسم زن در محیط‌های عمومی برده نمی‌شد (بهرامی برومند، ۱۳۹۵). در قالب چنین گفتمانی، با نظر به قرارگیری زن در محدوده سلطه مردانه و مشروعیت یابی وجود زن یا دختر بر مبنای سروری مردانه، راه حل خلاصی زودهنگام از شر دختر، ازدواج دانسته می‌شد. چنین است که بدینگونه شعری درباب شوی دادن دختر سروده می‌شود: «کسی را که دختر بود چاره نیست ز شو دادن و شوی شایان زن. دختر مباد که از پرده عیب آورد بر نژاد، دختر



نابوده به چون بود یا به شوی یا به گور» (قابوسنامه - عنصرالمعالی). شعرهایی همانند این ابیات در اشعار دیگر شعرا همچون فردوسی، سعدی، اسدی، خاقانی، کلیم کاشانی، ادیب پیشاوری، فخرالدین اسعدگرگانی (حجازی، ۱۳۹۹: ۱۶۷-۱۶۶). متوسط سن ازدواج در جامعه پیشا مدرن ایران در میان اقوام مختلف و گروه‌های مذهبی برای دختران ۱۲ تا ۱۴ و برای پسران کمی بزرگتر بود (درگاهی، ۲۰۲۱: ۲). مادام دیالافوا که در دهکده باسمنج نزدیک تبریز با دختر نایب چارخانه گردش رفته بود می‌نویسد: «دختر راهنمای من ۶ الی ۷ سال داشت و با این سن کم، قیافه زنان را پیدا کرده است، به طوری که می‌گفت سال آینده چادری به سر خواهد کرد و معلوم است که مطابق معمول در سن ۱۲ سالگی باید شوهرداری و بچه‌ای هم در بغل داشته باشد». (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۶۹). در پرتو این نظام معرفتی یا گفتمانی، زنانگی تنها به واسطه طرد و تولید یک "دیگری جنسیتی" است که هویت می‌یابد (بهرامی برومند، ۱۳۹۵: ۹۲). در پرتو دوگانگی زنانه/مردانه، مفهوم زن/دیگری به عنوان بخشی از مکانیسم تمایز و تفاوت و به عنوان یک مفهوم مستقل در برابر مرد/خود، نیازمند فرآیند بازنمایی گفتمانی برای معنادار شدن است.

تحولات ناشی از آشنایی ایرانیان با غرب، انسجام گفتمان سنتی در بازنمایی زن را به مبارزه طلپید (الگار، ۱۳۶۹، ۲۷۳) و از اواخر قاجار و با وقوع انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵، زمینه بروز تغییرات گسترده گفتمانی در جامعه ایرانی رقم خورد (آبراهامیان، ۱۳۷۷). بدین ترتیب تقابل و رقابتی میان گفتمان اسلامی سنت گرا و گفتمان نوظهور تجدد گرایی که به آزادی حجاب، آزاد و برابری زن و مرد در تحصیل و کسب پایگاه‌های اجتماعی برای زنان هم‌ردیف با مردان تاکید می‌کند، شکل گرفت. دال مرکزی این گفتمان مفهوم «زن تحصیل کرده آزاد و برابر و کنشگر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» است که از بند سنت و سلطه مردانه رها گردیده است. بدین ترتیب رقابت بین دو گفتمان بصورت دو قطب «ما» و «آنها» سامان پیدا کرد و مطابق با آن بین زن با حجاب و پرده نشین (زن سنتی) و زن بی‌حجاب و خواهان آزادی حضور در عرصه عمومی (زن متجدد) تقابلی گفتمانی شکل گرفت. (بهرامی برومند، ۱۳۹۵: ۹۲). گفتمان جدید مناسبات سنتی در رابطه با جایگاه مرد/زن در اجتماع و سیاست را دگرگون می‌ساخت و زنان را دارای شان و حقوق برابر با مردان بازنمایی می‌کرد. آزادی پوشش، حق تحصیل و حق رای، آزادی مشارکت و حضور در عرصه عمومی، تغییر قوانین سن ازدواج و... در گفتمان جدید محوریت پیدا می‌کرد. (خسرو پناه، ۱۳۸۲: ۷۶). گفتمان اسلامی سنتی این خواسته‌ها را متناقض با آموزه‌های دینی و اصول اخلاقی می‌دید و در مقابل آن مقاومت می‌کرد (وکیلی، ۲۰۱۱). از این رو، تکوین تاریخی گفتمان مدرن غربی که تکوینی نافی سنت اسلامی به مثابه غیر بود، خود موجب ظهور و تکوین گفتمان مقاومت جدیدی با عنوان گفتمان اسلام سیاسی شد.

## زن و تکوین گفتمان اسلام سیاسی

بعد از انقلاب مشروطه و در عصر پهلوی، گروه فدائیان اسلام اولین نمایندگان گفتمان جدید الظهور اسلام سیاسی بوده‌اند که در صدد احیای سنت اسلامی و صیانت از جامعه اسلامی در مقابل ارزش‌های مدرنیته غربی بودند. از منظر آنان، حذف شهوت و گناه از عرصه عمومی در جامعه ایده آل اسلامی از طریق به حداقل رساندن حضور زنان در جامعه میسر است. «تمام مواضع بدن‌های زنان تحریک کننده حس شهوت است... شب و روز زنان و مردان در کوچه و بازار، اداره، مدرسه، کارخانه، و سایر اماکن باهم روبرو شده و شب و روز حس شهوت عمومی بدون حساب، مشغول فعالیت و هیجان است... این فعالیت دائم حس شهوت، ... سایر قوای مردان را ضعیف می‌کند... و اینها نمونه‌های کوچکی از نتایج همکاری زن و مرد و عریان شدن زن‌ها است» (فدائیان اسلام ۱۳۲۹، در رسول جعفریان، ۱۳۸۴: ص ۳۵۸). تاکید اصلی در گفتمان اسلامگرایانه فدائیان اسلام بر یک دوگانگی میان عرصه خصوصی و عمومی است که مطابق با آن زن باید در عرصه خصوصی یا اندرونی محدود باشد. کار اصلی زن در خانه است و بهترین کار برای زنان همان مدیریت خانواده و اولین مدرسه تولید و تربیت نسل بشر است. دخالت مرد در اداره و مدرسه زنانه و دخترانه و دخالت زن در اداره و مدرسه مردانه و پسرانه بی‌جا و غلط است (فدائیان اسلام ۱۳۲۹، رسول جعفریان، ۱۳۸۴: ص ۳۶۱). با این حال با بروز برخی تحولات در گفتمان اسلام سیاسی در دهه چهل، زنان می‌باید در برخی از فعالیت‌های عمومی و برای جلوگیری از اختلاط بیشتر زن و مرد همچون پزشکی و آموزش همراه با حجاب و تفکیک جنسیتی حضور داشته باشند. نشریه «مکتب تشیع» که در دهه چهل توسط محمد باقر باهنر، اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد باقر مهدوی اداره می‌شد، بیرون آمدن زن از خانه را با ذکر حقوق زن در چارچوب شرع اسلام و با تفکیک جنسی مکان‌های عمومی و حجاب را توجیه می‌کند (قربی، ۱۳۹۶: ۱۱۱). بنا به نوشته مجله مکتب تشیع: «زن در موضوع تعلیم و تعلم و روابط مشروع اجتماعی و معاشرت پسندیده کمترین تفاوتی با مرد ندارد و با این شرط که تظاهر به زینت و خودنمایی و عشوه‌گری نکند و دامن به شهوت مردان نزند» (علامه طباطبایی، ۱۳۳۸: ۲۵). در گفتمان اسلام گرایانه عصر پهلوی در مقایسه با گفتمان اسلام سنتی عصر قاجار، دلالت مفهوم حوزه خصوصی (یا اندرونی) در بازنمایی زن و هم ارزی آن با سلطه مردانه کم رنگ تر و دلالت مفهوم حوزه عمومی یا مشارکت اجتماعی برای زنان پر رنگ تر می‌گردد. بدین ترتیب دال مرکزی در گفتمان اسلام گرایانه به «زن و دختر محجبه، عفاف، متشعر، باحیا و در عین حال دارای برابری با مردان از حیث فعالیت و کنشگری در عرصه‌های مختلف جامعه و نظام سیاسی اسلامی» همچون آموزش، پژوهش، بهداشت، نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحول می‌یابد.

بدین ترتیب، با نظر به برساختگی هویت زنانه و امکان تحول آن در قالب گفتمان‌ها، با ظهور و تحول گفتمان اسلام سیاسی، دال‌های سیاسی نظیر عدالت، آزادی، استقلال و مفاهیمی

از این دست در بازنمایی تصویر زن مسلمان به کار گرفته می‌شود (ربانی، ۲۰۲۱). این خود موجب تقویت نقش سوژگی زن در انقلاب اسلامی و بازخوانی هویت زنانه از هویتی تابع و منفعل در گفتمان اسلام سنتی به هویتی کنشگر، عمومی و انقلابی در گفتمان اسلام سیاسی شد (اردستانی و یوسف مدد، ۱۳۹۵). رویکردهای گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی در ایران قبل از انقلاب پشتوانه رویکردهای بعد از انقلاب در باب جنسیت را فراهم کردند. نقش مرتضی مطهری در تکوین گفتمان اسلام‌گرایانه در دوره بعد از انقلاب و بازنمایی جدید زن در قالب آن قابل توجه بوده است. مطهری در تبیین جایگاه زن، مبنا را قرآن و طبیعت زن قرار داده و دال مرکزی سخن او تاکید بر (طبیعت متفاوت زن و مرد) است که بر این اساس مدلول تاکید بر (نقش خانوادگی) و در چهارچوب آن انجام اشتغال متناسب با طبیعت زنانه امکان پذیر می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳). مطهری به نقد سنت با هدف مدرن‌سازی سنت در برابر گفتمان‌های رقیب پرداخته است. با اینکه رویکرد مطهری استدلالی و از این رو با دیدگاه‌ها و رویه‌های قهرآمیز فدائیان اسلام متفاوت است، اما میان این دو رویه، از حیث تلقی از جنسیت (اعتقاد به ویژگی طبیعی و ذاتی دو جنس) اشتراکات زیادی وجود دارد (صادقی، ۱۳۹۰: ۴۲).

در زیربنای بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها در حیطه جنسیت در دوره بعد از انقلاب در ساخت حقوقی، قضایی، و اجرایی و... اندیشه‌های مرتضی مطهری و فداییان اسلام (نویسندگان نشریه مکتب تشیع در دهه ۴۰) قابل مشاهده است. آیت الله دکتر بهشتی نیز با دیدی تجددگرایانه به سنت اسلامی و به اجتهاد پویا توجه داشته است (میر احمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰-۳۴۴). در گفتار امام خمینی، گفتمان اسلام سیاسی به عنوان یک منبع اعتبار بخش جدید برای تغییرات مثبت زنان تعریف شده و با شعار "اسلام راه حل است" بیان شده است. ایشان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت نگریسته و آن متفاوت از سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانست (اسدی قنواتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). جایگاه زن در گفتار اسلام‌گرایانه ایشان بدین صورت بیان می‌شود که «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند، تکلیف آن‌ها این است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۱۵). امام خمینی محوری‌ترین نقش‌ها و ویژگی‌هایی را که در حکومت اسلامی به زن منسوب می‌شود، بدینگونه تشریح می‌کنند: «خداوند شما (زنان) را با کرامت و آزاد خلق کرده است، خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود این که فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد... زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم ساز است، زن مربی انسان است» (امام خمینی ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۵۶). ایشان همچنین بیان می‌دارند که «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است، برای این که بانوان علاوه بر خود، که یک قشر در همه فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است. از خدمت همه کس بالاتر است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ۱۹۷). امام خمینی با دیگری سازی از گفتمان متخاصم

غربی در بازنمایی زن، در واقع به نوعی هویت گفتمانی خود در بازنمایی زن مسلمان در قالب گفتمان اسلام سیاسی را تعریف کرده است. در بازنمایی زن در گفتمان اسلام سیاسی بر مبنای صورت‌بندی امام خمینی، اسلام ناب به عنوان دال مرکزی در تعریف زن بر مبنای دل‌های هم‌ارزی چون تفاوت طبیعی، نقش مادری، تولیدنسل، نقش و مشارکت اجتماعی و سیاسی، عفت، حجاب و... ظاهر می‌شود.

### سن ازدواج دختران در گفتمان اسلام سیاسی

در گفتمان اسلام سیاسی بویژه بر پاسداشت احکام شریعت اسلامی به مثابه عامل هویت بخش سیاسی در مقابل تهاجم ارزش‌های گفتمان مدرن غربی تاکید می‌شود و از این جهت مساله سن ازدواج زنان که همزمان با بلوغ دختران در ۹ سالگی اتفاق می‌افتند در کنار تاکید بر نقش همسری و مادری زنان در خانواده، خود به مساله‌ای سیاسی و یا عبارت دیگر هویت بخش بر مبنای دال برتر اسلام تبدیل می‌شود. الگوی بازنمایی تن زنانه و شیوه‌های کنترل بر آن در این گفتمان حائز اهمیت است. از مهم‌ترین انتقادات نیروهای مذهبی نسبت به گفتمان شبه مدرنیستی پهلوی به گسترش فساد و فحشا و بی‌بند و باری معطوف بود (سراج زاده کاشی و همکاران، ۱۳۹۱). پس از نفوق گفتمانی انقلاب اسلامی، دال متکی بر پاکیزه سازی ساختار اجتماعی و فرهنگی که شرط اسلامی سازی گفتمان انقلاب بود، سرنوشت فضای استعاری بر ساخته شده پیش از انقلاب اسلامی را در تمامی زمینه‌ها و به طور خاص تن زنانه مشخص کرد. انتشار ۶۹۹۰ عنوان حول موضوع زنان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۴ (دفتر مطالعات توسعه و رسانه ها، ۱۳۷۶)، نشان دهنده اهمیت نقش زن در ساختارگفتمانی جدید است. با تثبیت انقلاب و اوضاع سیاسی، لایحه قانون خانواده که در دوره پهلوی دوم تصویب شده بود، تغییر یافت. این قانون در سال ۱۹۷۵ سن قانونی ازدواج را برای دختران ۱۸ و برای پسران به ۲۰ سال افزایش داده بود، اما بعد از انقلاب اسلامی و در اصلاحیه قانون ازدواج ۱۳۶۲، این ماده مغایر با شرع دانسته شد. از این رو، ازدواج با تایید قیم قانونی به ازدواج زیر سن بلوغ (۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران) اجازه داد (درگاهی، ۲۰۲۲: ۴) و سیاست‌های تشویق به رشد جمعیت به اجرا در آمد. تعدد زوجات و صیغه قانونی نیز تقدیس شده و بسیاری زنان از شغل بازماندند (صادقی: ۱۳۹۰). وجه قالب گفتمان انقلابی درباره ی زن، تاکید بر حضور اجتماعی زن در عرصه منازعات سیاسی تا پیروزی انقلاب بود. با پایان مبارزه، حضور در عرصه عمومی نیز ضرورت خود را از دست داد و وجه گفتمان سنتی یعنی ازدواج زود هنگام و فرزندآوری، خانه نشینی و حضور در عرصه خصوصی پررنگ تر شد. پس از انقلاب بسیاری عقیده داشتند که زنان با شرکت در تظاهرات علیه شاه، نقش خود را در جامعه پایان داده‌اند و اکنون که انقلاب شده و حکومت اسلامی برقرار، جایگاه واقعی زنان در خانواده و تربیت فرزندان است، لذا بر جایگاه مادری زنان

تاکید می‌شد (مه‌پرور، ۱۳۷۹: ۱۵۱). با پررنگ شدن زن در عرصه خصوصی و اهمیتی که این دوره برای این حضور می‌دهد، مجال کمتری برای حضور در عرصه عمومی وجود داشت. تاکید بر نقش محوری (زن برای خانواده) به منزله همسر و مادری، یکی از محورهای بنیادین این ساختار گفتمانی است چنان که در مجله زن روز این امر تایید می‌شود: «حضرت رضا فرمود؛ بهترین زن‌ها آن‌هایی است که زیاد بچه دار شود، باعاطفه و مهربان و در سختی‌ها پشتیبان شوهرش باشد و...» (زن روز، ۱۳۶۱: ش ۸۶۲).

با شروع جنگ، وظیفه و نقش زنان بر مبنای نشر ایدئولوژی انقلاب اسلامی معنی یافت (هاشمی، ۱۳۸۱: ۶۱) تعریف جدید زن در عرصه عمومی محدود به زن مبارز در پشت جلد مجله‌ها یا جبهه‌ها می‌شود و در عرصه خصوصی با نقش پر رنگ همسری و مادری و کدبانوگری دیده می‌شود؛ طرد تن زنانه در راستای پاکسازی جامعه تا به آن جا پیش می‌رود که سعی می‌شود حتی چهره پوشیده زن نیز در تمامی زمینه‌ها حتی در مجلات تخصصی زنان دیده نشود و تصاویر مردان بر روی جلد آن‌ها مندرج گردد (زن روز، ۱۳۶۰-۱۳۵۹ ش: ۷۶۹ و ۷۷۵). فتنه صیاح (۱۹۸۴، ۴-۵). این سیاست‌ها از تثبیت انقلاب به بعد، در راستای ایده آل سازی اخلاقی صورت گرفته و زمینه را برای تولید و بازتولید برای ایجاد نظم اخلاقی ایده آل دینی و برای تنظیم بهینه مناسبات بین زن و مرد در تقابل و تفاوت میان حوزه خصوصی و عمومی به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، علاوه بر بازگشت بی‌صدا به ارزش‌های های سنتی برای تثبیت ارزش و باورهای خودی و تخاصم و تقابل با ارزش‌های مدنیت غربی، دیدی منفی و همه جنسی به دختران و زنان ایجاد می‌شود که بروز مساله کودک همسری یکی از نتایج مهم آن است.

### کودک همسری در تحول گفتمان‌های اسلامی پس از انقلاب الف: گفتمان دوره سازندگی (دولت هاشمی)

بعد از انقلاب اسلامی، قرائتی کلاسیک تر و پاک گرایانه از اسلام شکل گرفت که با تاکید بر ازدواج مطابق با شریعت اسلامی، حدود کنترل بر بدن زنان را مشخص می‌کرد (رهبری، ۲۰۲۲: ۳). بدین ترتیب، روابط جنسی قبل از ازدواج به طور گسترده هم از سوی نظام حقوقی (قانونی) و هم از سوی جامعه غیر قابل قبول، محکوم و مشمول مجازات در نظر گرفته می‌شد (درگاهی، ۲۰۲۲: ۳). از این منظر، گفتمان مدرنیزاسیون شاه مسبب فساد، فحشا و بی‌بند و باری (رواج عربانی تن زنانه) بود (کاشی و هلالی ستوده، ۱۳۹۱: ۸۱). برای جلوگیری از بروز مجدد فساد، فحشا و بی‌بند و باری در دوره پسا انقلابی، اکبر هاشمی رفسنجانی در (کتاب ازدواج دائم و موقت)، سن مجاز برای صیغه محرمیت و ازدواج موقت را پایان نه سالگی تعریف می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۷). بدین ترتیب، مشروعیت مذهبی در ازدواج موقت، زمینه را برای ازدواج کودکان نیز ایجاد می‌کند. در سال ۱۳۶۸ ماده شماره یک پیمان نامه حقوق کودک در

سازمان ملل به تصویب رسید. کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، نهاد ناظر بر این پیمان نامه، از دولت‌ها می‌خواهد که سن قانونی تعریف شده کشورهای خود را به ۱۸ سال افزایش بدهند. ایران با تصویب قوانینی با عنوان قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، در اسفند ماه ۱۳۷۲ و در زمان ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی، این پیمان نامه را با یک شرط پذیرفت: هرگاه هر قسمت از محتوای این پیمان نامه با قوانین داخلی و موازین اسلامی در تضاد باشد، جمهوری اسلامی ایران الزامی به اجرای آن نمی‌بیند (ریحانی، ۱۳۹۹: ۱۶۱). مسلمانان شیعه، صیغه را امری مشروع و سنتی می‌دانند. تفاوت ازدواج موقت و دائم در این است که ازدواج موقت در دفتر ثبت احوال ثبت نمی‌شود و با توجه به تابوی رابطه جنسی قبل از ازدواج، یک مکانیسم برای مشروعیت بخشی به روابط جنسی خارج از ازدواج رسمی است (درگاهی، ۲۰۲۲: ۳). در ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اصلاح شده در سال ۱۳۷۰ براساس فقه چنین مقرر شده است: ثبت ازدواج و گرفتن اذن ولی از طرف دختر برای ازدواج موقت از دادگاه مدنی خاص از شرایط نکاح نیست و مراعات نکردن آن صرفاً تخلف انتظامی به شمار می‌آید (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۴). روابط صیغه‌ای؛ الگویی از روابط غیر عاشقانه پیش از ازدواج است که در قانون و مذهب رسمی پذیرفته شده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱-۶۰). همچنین ریاحی، (۱۳۹۱: ۸۷). با این حال، ازدواج متعه یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف میان امامیه و سایر مکاتب فقهی تشیع و تسنن است (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۲۳-۳۲۱) اهمیت موضوع با نظر به مساله کودک همسری همواره این بوده است که ازدواج موقت در میان خانواده‌های مذهبی، سنتی، فقیر، محروم و دارای اعتیاد، راهی آسان و مشروع برای ازدواج کودکان و بروز مساله کودک همسری بوده است (درگاهی، ۲۰۲۲: ۳). در گفتمان پسا انقلابی دولت هاشمی، مدیریت تحولات در عرصه زنان بر مدار رفت و برگشت میان رویکرد اسلامی، انقلابی و مدرن دنبال می‌شود و تمهید مفهومی برای تحقق مدرنیته‌ای اسلامی در درون گفتمان غالب اسلام سیاسی است (فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

### ب: زن و مساله کودک همسری در گفتمان اصلاح طلبی (دولت خاتمی)

از دال‌های شناوری که در گفتمان سازندگی به حوزه گفتمان گونگی سرریز شده بود، دال «آزادی» و «حقوق زنان» بود که گفتمان اصلاحات در انتخابات ۱۳۷۶ توانست با طرح آن، زنان ایرانی را به مثابه عاملان سیاسی به عرصه انتخابات و فرآیند انتخاب این گفتمان فرا خواند (عظیمی دولت آبادی و علی‌پور: ۱۳۹۸: ۴۸)، گفتمان اصلاح طلبی با تاکید بر مفاهیمی آزادی، قانون و توسعه سیاسی، مدعی بود که با رویکرد نواندیشی دینی درصدد ارائه قرائتی دموکراتیک از اسلام و سازگاری آموزه‌های اسلام با الزامات و ارزش‌های دنیای جدید است. تاکید این رویکرد در توجه به مسائل زنان، اهمیت دادن به نقش مستقل زنان در دو عرصه عمومی و خصوصی بود،

چنان که تاکید بر خانواده نباید سبب حاشیه نشینی زنان از عرصه‌های اجتماعی گردد (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۴۲). در نگاه نواندیشان دینی، حقوق زن پیوند وثیقی با مفهوم آزادی فردی دارد (پناهنده، ۱۳۷۹: ۳۸). «فردیت یافتن زنان به معنای استقلال اقتصادی و خودآگاهی زنان و پایان بخشیدن به نگاه به زن صرفاً به عنوان همسر، مادر و جنس دوم و بالاخره به رسمیت شناختن مالکیت زن بر بدن خویش است و رشد فردگرایی، عامل چالش‌گری زنان بر ضد پدرسالاری است (درویش پور، ۱۳۷۶: ۲۶). بنا به بیان این گفتمان: «ما باید با گسترش اجتماعات، گردهمایی‌ها، مجامع و انجمن‌ها شرایطی در جامعه فراهم آوریم که زنان بتوانند فعالانه در کارهای اجتماعی حضور داشته باشند، ولو این که شغل خارج از خانه نداشته باشند. ما باید برای اعتلای شعور سیاسی، دینی و فرهنگی و اجتماعی زنان، زمینه‌های لازم را فراهم کنیم» (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۲، کتاب زنان در آئینه اصلاحات). گفتمان اصلاح طلبی بر نقش زمان و مکان در فهم مسائل و موضوعات (زنان) تاکید دارد، و تحول در احکام فقهی را با استناد به پویایی فقه و تحول پذیر بودن آن ممکن می‌دانند (تشکری، ۱۳۸۱: ۳۹). بر این اساس، گفتمان اصلاحات ضمن طرد گفتمان سنتی و گفتمان مدرنیته غربی (به معنای غربی شدن)، تغییر نگرش به زنان را به مثابه دال مرکزی «مشارکت زنان» معرفی می‌کند: «مسائل زنان در حرکت به سوی آینده باید از میان دو واقعیت عبور کنند: واقعیت اول، ذهنیت سنتی دیدگاهی است که نسبت به زن در طول تاریخ پدیدآمده و گاه رنگ دین به خود گرفته است و زنان را از بسیاری از حقوق انسانی محروم نموده و گاه سنت‌های غلط که جنبه ملی-ارزشی پیدا کرده است» (خاتمی، اختتامیه کنگره بین المللی، ۱۳۷۹/۹/۸). باید از درون این واقعیت عبور کنیم. باید ذهنیتان را نسبت به زنان درست کنیم... باید باور کنیم که زن در جامعه ما، قدرت و توان و شایستگی خود را نشان داده است (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۲، کتاب زنان در آئینه اصلاحات). بر این اساس، حقوق زنان نیز با تعاریف عرف پسند از عدالت در زمان‌های مختلف دچار تحول می‌شود، چرا که مفهوم و مصداق قسط و عدالت نیز سیال و پویا است و بدین ترتیب باید احکامی که موجب تحقق برابری و عدالت به مفهوم امروزی آن باشد به وجود آید (همتی، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱). در این زمینه، احکام مربوط به فضیلت مرد بر زن، قوامیت مرد نسبت به زن، جواز ازدواج دختر صغیر توسط ولی او و... از احکام مورد بحث هستند و فضیلت مرد بر زن، حکم دائمی و دال بر استحقاق کم تر حقوقی برای زنان نمی‌تواند باشد (کدیور، ۱۳۹۰: ۲۱). تفسیر ثابت نه تنها از عدالت، بلکه حتی از نظام سیاسی و اقتصادی نیز نداریم. تعریف عدالت در هر عصری به خود انسان‌ها واگذار می‌شود و آنها باید تعریفی از آن ارائه دهند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۵۱۰). بر این اساس، زن و مرد بنا بر گوهری واحد تعریف می‌شوند و شریعت متناسب با زمان و شرایط، احکامی برای اجرای عدالت و قسط صادر می‌کند تا نابرابری عارضی میان دو جنس را به سوی برابری هدایت کند (همتی، ۱۳۷۹: ۵۱). مفهوم عدالت در گفتمان اصلاحات با تساوی و برابری زن و مرد یکسان تعریف می‌شود و مطابق با آن مفهوم عدالت استحقاقی و تساوی تناسبی که بر اساس آن، جایگاه

طبیعی زنان و بردگان فروتر از مردان تشخیص داده می‌شد، مورد نقد واقع می‌شود. گفتمان اصلاحات در برنامه‌های توسعه خود معطوف به زنان، تلفیقی از دو رویکرد توانمندسازی (زنان و توسعه) و (جنسیت و توسعه) را بکار گرفته است. این رویکرد، ضمن تایید موقعیت زیرین زنان نسبت به مردان و با تاکید بر به دست گیری کنترل منابع توسط زنان، تلاش می‌کند تا با افزایش قدرت درونی و اتکاء زنان به خود، شرایط برخورداری زنان از حق انتخاب در زندگی را فراهم سازد (نقش زنان در توسعه، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

رشد نهادهای مدنی و تشکلهای غیردولتی مربوط به زنان از تحولات این دوره است. تعداد سازمان‌های غیر دولتی از جمله سازمان‌های زنان و جوانان و سازمان‌های زیست محیطی از مرز ۲۵۰۰ سازمان در سال ۱۳۸۰ تجاوز کرد (زائرکعبه و قریشی، ۱۳۹۹: ۱۳۵). که می‌توانست به عنوان نیروی فشار برای تغییرات فرهنگی و قانونی برای کاهش ازدواج‌های زود هنگام کودکان موثر باشد. یکی از نشانه اصلی مفصل‌بندی گفتمان اصلاح طلبی، ارتقاء کیفیت زندگی زنان بوده است. نشانه‌ای که معنی خود را در ارتباط با نشانه توانمندسازی زنان و دال‌های فرعی ذیل خود؛ رفع خشونت علیه زنان به واسطه اقدامات و تمهیدات قانونی و حقوقی (بندج ماده ۱۱۱ برنامه چهارم)، تنظیم لوایح تحکیم خانواده (بند ب ماده ۱۱۱ برنامه چهارم)، ارتقاء احساس امنیت فردی و اجتماعی (ماده ۱۰۰ برنامه چهارم) و رعایت ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده و... تثبیت کرده است. بدین ترتیب، تلاش می‌شود تا با مرتفع کردن این مشکلات، تبعیض جنسیتی از میان برود (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۸). فعالیتهای آموزشی مرکز امور مشارکت زنان جدا از دوره‌های آموزشی مختص کارکنان مرکز، در سه حوزه آموزش برای توانمندسازی زنان، آموزش برای اصلاح یا تغییر ذهنیت‌ها و آموزش برای تربیت نیروی همراه با سیاست‌های مرکز، قرار می‌گرفت. این فعالیتهای به کمک رسانه‌های همسو با گفتمان اصلاحات، سازمان‌های غیردولتی که عمدتاً توسط مدافعین حقوق زنان و مراکز دانشگاهی اداره می‌شدند، کارگاه‌های آموزش تحلیل جنسیتی، کارگاه‌های آموزش زن و اصلاحات، دوره‌های آموزشی زوج‌های جوان، آموزش‌های خانواده سالم، آموزش‌های نگرش جنسیتی (پروژه مشترک مرکز امور مشارکت زنان و صندوق ملل متحد) انجام می‌پذیرفتند (شجاعی، ۱۳۸۴: ۳۶۴). زن در گفتمان اصلاحات در چارچوب مفهوم آزادی و مساوات خواه تعریف می‌شد و هدف آن قرار گرفتن زن برمدار توسعه و جهانی شدن بود. تاکید و تمرکز بر مشارکت زنان و تلاش در جهت برقراری ارتباط و پیوند با جهان غرب از طریق ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و زمینه سازی جهت حضور این سازمان‌ها در داخل کشور و انجام پروژه‌های پیشنهادی نهادهای بین‌المللی با تخصیص بودجه و نظارت آن نهادها، بر این مبنا معنا می‌یافت (فسایی و خادمی، ۱۳۹۵، ۱۸۹). بر همین مبنا است که الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با حمایت دولت به تصویب مجلس می‌رسد ولی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی رد می‌گردد (فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۸۹).



بنابر گفتمان اصلاح طلبی، تفاوت زیستی و طبیعی بین زن و مرد نباید بهانه‌ای برای تشریح (احکام) نابرابر گردد: «نمی‌توان برای زن و مرد با این استدلال که زن و مرد به لحاظ تکوینی با یکدیگر تفاوت دارند، اخلاق و حقوق متفاوت در نظر گرفت» (ملکیان، ۱۳۷۹: ۳۴). با چنین مبنای معرفت‌شناسی در برنامه چهارم توسعه، براساس بند ۵ ماده ۹۸ عدالت جنسیتی گنجانیده شد، در این برنامه دولت خود را موظف به تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی، حمایت از حقوق زنان و برقراری عدالت جنسیتی در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی در مراجع ذی ربط نمود. این رویکرد عدالت جنسیتی کسب توازن بود و ساختار نابرابر و تبعیض علیه زنان را مورد توجه قرار می‌دهد. تبعیض‌هایی که زنان را از تأمین نیازهای عملی و خاصی مانند نیاز به آموزش (تحصیل)، بهداشت و... باز می‌داشت (فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۸۸). از نتایج عینی گفتمان اصلاح طلبی در حوزه زنان، کاهش میزان باروری با توجه به سیاست کنترل جمعیت دولت از یک طرف و عاملیت کنشگران به خصوص زنان که با گرایش‌ها و ایستارهای متفاوتی نسبت به گذشته خود می‌نگریستند، بود (سادات شفیع و پورباقر، ۱۳۹۳: ۱۰۳). «پیدایش یک محیط فرهنگی جدید که موافق با بعد کوچک سازی خانواده بود، شرایطی را فراهم کرد تا در سایه ی آن خدمات کنترل جمعیت، با استقبال عموم مواجه شود. در این مرحله باورهای سنتی درباره الگوهای ازدواج و باروری دستخوش تغییرات اساسی گردید و ایده‌هایی هم چون ازدواج در سنین پایین و داشتن بچه‌های بیش تر از سوی نسل‌های جدید مورد تجدید نظر جدی قرار گرفت.» (فروتن، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در این گفتمان (ماده ۱۰۰ برنامه چهارم) بر ایجاد احساس امنیت فردی و اجتماعی و ارتقاء حقوق انسانی در قالب منشور حقوق شهروندی و رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان و کودکان تأکید می‌کند (کریمی قهپی، ۱۳۹۱: ۶۹). همچنین، در سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانونی مقرر داشت سن ازدواج دختر و پسر، هر دو ۱۸ سال تمام باشد. اما دختری که به سن پانزده تمام رسیده باشد و بخواهد ازدواج کند، دادگاه می‌تواند در صورت مصلحت به او اجازه دهد. این مصوبه مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت و چون مجلس شورای اسلامی از نظر خود عدول نکرد، برای حل اختلاف، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد و مجمع مذکور در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱ مقرر نمود: «نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است. افرادی که به این سنین رسیده باشند، می‌توانند در مورد همسر آینده خود، خود تصمیم‌گیری کنند. اما قبل از این سنین اجازه پدر و جد پدری و همچنین مصلحت لازم است، لکن این مساله که دختر ۱۳ ساله، قدرت تصمیم‌گیری برای ازدواج را داشته باشد یا نه، مربوط به شرط دیگری برای ازدواج یعنی (رشد) است» (مظفریان، ۱۴۰۰: ۸۶). بدین ترتیب، گفتمان اصلاحات با وجود نگرش نو اندیشانه دینی خود، از بعد نظری با دیدگاه بسیار متضاد گفتمان رقیب خود درباره مسایل زنان و کودکان مواجه شد و از این رو در عرصه عملی حتی محافظه کارتر از عرصه نظری ظاهر گشته و چندان برای تغییر وضعیت

زنان به ویژه در باب حقوق مدنی و قضایی و قوانین خانواده (سن ازدواج، کودک همسری و تغییر بینش‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی و سنتی نسبت به دختران و زنان) ناکام ماند.

### ج- زن و کودک همسری در گفتمان اصول‌گرایی (دولت احمدی نژاد)

گفتمان دوره احمدی‌نژاد از همان آغاز با تمرکز بر تعریف زن برای خانواده و بازگرداندن زنان به عرصه خصوصی با هدف افزایش مولید و ترویج ازدواج زود هنگام در جهت تقابل با گفتمان اصلاحات حرکت کرد (کریمی قهی، ۱۳۹۱، ۴۰). در اولین اقدام مرتبط با حوزه زنان، تغییر نام مرکز امور مشارکت زنان به مرکز زنان و خانواده هائز اهمیت نمادین است. این تغییر نام، تحولی بنیادی در ماهیت و رویکردهای سیاست‌گذاری دولت در زمینه مسائل زنان و خانواده بود که با هدف نهادینه کردن «فرهنگ عفاف و حجاب» به منظور حفظ و تقویت بنیان خانواده (برای حضور بیشتر زنان در عرصه خصوصی) صورت گرفت (نظرزاده و افخمی، ۱۳۹۳: ۱۸۶). تاکید گفتمان اصول‌گرا بر نشانه‌هایی چون: عدالت، قانون اساسی، توسعه اقتصادی، ارزش‌های دینی و اخلاقی، استقلال بود. این گفتمان با نگاهی انتقادی به رویکردهای عمده در نظریات توسعه گفتمان پیشین، تلاش در جهت نظریه پردازی بومی در حوزه مسائل زنان و خانواده را با هدف ساختار شکنی از دال مرکزی گفتمان اصلاح طلبی «مشارکت زنان» پیش برد تا با ایجاد تزلزل در نظام معنایی و غیریت سازی با آن، به مفصل‌بندی گفتمان خود در حوزه زنان با نشانه مرکزی «خانواده محوری» اقدام کند. بنا بر این گفتمان، برابری حقوق زن و مرد منافع زنان را تامین نمی‌کند (بستان، ۱۳۸۸ : ۴-۳). از این رو، باید به تفاوت زیست شناختی و روان‌شناسی دو جنس نیز که حول دال مرکزی فطرت (طبیعت متفاوت زنان با مردان) مفصل‌بندی می‌شود، توجه داشت (جهانگردی، ۳۰، ۱۳۸۵). بنا به گزاره گفتمانی این دولت در باب برابری زن و مرد: «نظام لیبرال و سرمایه داری با شعار برابری زن و مرد، بزرگترین ضربه را به شان و حیثیت زنان وارد کرده است، آن‌ها با طرح شعار برابری زن و مرد، در حقیقت زنان را به ابزاری برای تبلیغ کالا تبدیل کردند و منزلت زن را پایین آوردند. ما معتقد هستیم زنان و مردان در حقوق اساسی و جایگاه کاملاً با یکدیگر برابر اما به لحاظ کارکرد و نقش باهم فرق دارند، بالاترین تکریم شخصیت زنان به این است که در رابطه با کارکرد و رفتار با مردان تفاوت داشته باشند» (کتاب زن و خانواده در اندیشه دولت مهر ۱۳۸۹). بدین ترتیب، در این گفتمان، به دلیل همین تفاوت فطری، تاکید می‌شود که هیچ تبعیضی بین زن و مرد در اسلام دیده نمی‌شود (جهانگردی، ۱۳۸۵: ۳۰). در این گفتمان به آیه‌های قرآن از جمله سوره بقره رجوع می‌شود: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» که در آن زن به کشتزار مرد تشبیه شده و مطابق با آن نسبت زن به جامعه انسانی از جهت نیاز آدمی به آن، مثل نسبت کشتزار به انسان است. مدلول کلیدی و دال مرکزی این گفتمان که «نقش مادری» است، چنین بیان می‌شود: «محوری‌ترین نقش زنان بدون تردید، مادری است.

همه فرهنگ و اجتماع و آینده و همه امور جامعه منبعث از نقش مادری است. نقش مادری زیربنا و پایه است. بقای یک جامعه به پیشرفت اقتصادی و... نیست بلکه به ایفای نقش محوری مادری است» (کتاب زن و خانواده در اندیشه دولت مهر ۱۳۸۹). به دلیل همین تاکید بر تمایزات طبیعی دو جنس، و همچنین تاکید بر تحریک پذیری مرد و تحریک کنندگی زن، این گفتمان بر نقش زن برای خانواده (ازدواج هر چه سریع و فرزندآوری) و بر جداسازی هرچه بیشتر این دو جنس از یکدیگر تاکید می‌ورزد (نیکخواه قمصری، ۱۳۸۴: ۸۴). در حوزه خصوصی نیز مقوله همسری و مادری به عنوان بهترین فعالیت ممکن برای زنان و نقش هدایت و کنترل (و نان آوری) در خانواده بر عهده مرد گذارده می‌شود. این بینش نیز براساس آیه ۳۴ سوره نساء: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ...» به معنی: مردان را بر زنان تسلط و نگرهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته است، توجیه می‌گردد (ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹: ق ۵۲). در این گفتمان، قیم بودن مردان بر زنان عمومیت دارد و منحصر به قوامیت پدر و شوهر نسبت به دختر و همسر نیست و همه ابعاد و عرصه‌های عمومی از جمله قوانین و حقوق زنان و کودک و... را نیز شامل می‌شود (کسرای و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۸۰-۱۷۹). بر همین اساس بود که طرح طوبی (طرح و برنامه یکپارچه در حوزه زنان و خانواده) ایجاد شد که مطابق با آن: صیانت از کرامت انسانی زن و ارائه الگوی مطلوب زن مسلمان ایرانی در سطوح ملی و بین‌المللی، تحکیم و تقویت نهاد خانواده مبتنی بر ارزش‌های الهی در جامعه اسلامی و حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف ... و ارتقای امنیت و سلامت زنان در خانواده و جامعه و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها از هدف‌های راهبردی مرکز امور زنان و خانواده تعریف شدند. (گزارش عملکرد مرکز امور زنان و خانواده در دولت دهم، ۱۳۹۲: ۳۴). در این گزارش، زن به مثابه یک سوژه مستقل در نظر گرفته نشده و با قرار گرفتن در ذیل خانواده، حضور و مشارکت او در عرصه اجتماعی و سیاسی، تنها با هدف نقش و جایگاه زن در خانواده و تحکیم آن اهمیت می‌یابد. چنان که این گفتمان در (بند ب ۲۰۹ برنامه پنجم توسعه)، با تاکید بر تحکیم خانواده برای زنان، عمدتاً جایگاه همسری و مادری را مهم دانسته و با تاکید بر حضور در خانه، در تقابل با اشتغال که از نشانگان دال توانمندسازی زنان در برنامه توسعه در گفتمان اصلاحات بود، قرار می‌گیرد (کریمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۵).

کاهش ساعت کاری زنان (بند ج ماده ۸۰ برنامه توسعه پنجم) زمینه حضور بیشتر زن را در خانواده فراهم و دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرای طرح عفاف و حجاب و متناسب سازی محیط خدمتی با اقتضانات جامعه اسلامی می‌کرد. همچنین، اشتغال خانگی و دورکاری زنان به عنوان برنامه‌هایی در جهت حفظ بنیان خانواده و اخلاق در جامعه طرح می‌شود (زائرکعبه و قریشی، ۱۳۹۸: ۱۴۲). حذف زندان برای مهریه بیش از ۱۱۰ سکه، قانون حمایت از خانواده و اصلاح قانون تنظیم خانواده (افزایش جمعیت)، تفکیک جنسیتی و محرومیت زنان از بعضی

رشته‌های دانشگاهی و.. نیز با این هدف انجام گرفت. این گفتمان با انتساب آزادی فردی و و برابری زنان به آموزه‌های لیبرالیستی و فمینیستی، آنها را به عنوان نشانه‌های فرهنگ مدرن غربی و تهاجم فرهنگی غرب و در تقابل با ارزش‌های اسلامی در مورد زن و خانواده خانواده معرفی می‌کند. همچنین با ساختار شکنی از دال توانمندسازی زنان به عنوان یکی از نشانه‌های رقیب، آن را منحصر به زنان مدیر و نخبه (ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه) و زنان سرپرست خانوار ذیل افراد و گروه‌های نیازمند (ماده ۳۹ برنامه پنجم توسعه) قرار داده است. این گفتمان بر آموزش‌های متناسب با نقش جنسیتی (ماده ۱۵ برنامه پنجم توسعه) و دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت (ماده ۱۹ برنامه توسعه پنجم) و همچنین جامعه پذیری جنسی که تداوم دهنده نگرش‌های جنسیتی حاکم بر زنان و خانواده و ضامن تمایز نقش دو جنس است، تاکید می‌ورزد. نظام معنایی گفتمان اصول گرای رادیکال احمدی نژاد، با برجسته کردن (ارزش‌های سنتی) معطوف به گفتمان تحکیم خانواده، گفتمان رقیب (اصلاح طلبی) را متهم به بزرگنمایی در مورد حوزه زنان چون؛ آموزش غیر جنسیتی (برابری آموزشی)، رفع خشونت، و اصلاح قوانین می‌کند و سیاست‌های توسعه اصلاح طلبی را متزلزل کننده بنیان خانواده و تهدید کننده ارزش‌های اخلاقی جامعه به سبب تشویق زنان به حضور در عرصه‌هایی غیر از خانواده معرفی می‌کند (کرمی قهی، ۱۳۹۱: ۶۳-۷۰). مقابله با برخی اقدامات دولت پیشین (اصلاحات) در امور بین الملل مانند الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با تاکید بر محوریت ارزش‌های خانواده اسلامی صورت می‌گیرد. کاهش مراودات و همکاری با نهادهای متولی امور زنان در سطوح بین الملل و نیز اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به رویکردهای جنسیتی غرب در این گفتمان مشهود است (فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۲). ساخت حقوقی، قضایی و اجرایی همچون کودک همسری، متعه یا صیغه، تعدد زوجات، تشویق و ایجاد برنامه و سیاست‌های مختلف برای بازگشت زنان به عرصه خصوصی (خانوادگی)، قانون مجازات به مشی زیربنایی بسیاری از نهادهای متولی امور زنان بدل شد. با ایجاد هم زمان دو طرح؛ طرح سیاست افزایش ازدواج و مولید (ازدواج زود هنگام برای کنترل زن از اوان بلوغ) و طرح عفاف و حجاب برای مبارزه با بدحجابی و حتی تناسب آنها با سن تعیین شده برای ازدواج از نظر حقوق خانواده که برای دختران ۱۳ و پسران ۱۵ تعیین شده است ارتباط معنی داری یافت. در سطح خانواده، تغییر ساختار کمی خانواده با استفاده از سیاست ترویج ازدواج زود هنگام جوانان و افزایش مولید در تقابل با سیاست کنترل مولید گفتمان رقیب اصلاحات قرار می‌گیرد. بر این اساس، بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به تحکیم خانواده (ماده ۲۳۰ برنامه پنجم)، ساماندهی و اعتبار بخشی به مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی جهت تسهیل ازدواج به موقع جوانان (ماده ۴۳ برنامه پنجم) صورت می‌گیرد. پدر سالاری به عنوان یکی از پیامدهای گفتمان اصولگرایانه، به نابرابری جنسی بین زن و مرد، خشونت نسبت به کودک به دلیل حق مالکیت پدر بر جان و مال کودک و حق کنترل و تصمیم برای ازدواج کودکان، صیغه و ازدواج اجباری کودک، بویژه

دختران، می‌انجامد. همچنین از عوامل عمده تاکید بر ازدواج زود هنگام کودکان در این گفتمان، تاکید بیش از اندازه بر باکرگی و عفت زنان و نیاز جامعه به کنترل میل جنسی دختران و زنان است. (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۰۸). تاثیر این گفتمان در عمل افزایش ازدواج‌های زود هنگام و وقوع کودک همسری بوده است. در سال ۲۰۱۳ در ایران (براساس گزارش سازمان ثبت احوال) ۴۱۵۰۰ مورد ازدواج دختران زیر سن ۱۵ و ۲۳۵۰۰۰ هزار ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله در ایران به ثبت رسیده است (Salamatnews.com 2018 همچنین اصغری، ۲۰۱۹: ۵۷۰).

### د- زن و کودک همسری در گفتمان اعتدال (دولت روحانی)

ظهور گفتمان اعتدال بیانگر تغییراتی در چهره قدرت سیاسی و متعاقب آن فضای فرهنگی بود (نوروزی نژاد و مختاری، ۱۳۹۴: ۴۴). گفتمان اعتدال حاصل دیالکتیک گفتمانی اصلاح طلبی و اصول گرایی است. این گفتمان دال «برابری جنسیتی» را که از طرف گفتمان اصول گرایی رادیکال به حوزه گفتمان گونگی طرد شده بود، در جایگاه دال مرکزی نشانده (علی‌پور و زاهدی، ۲۰۲۳: ۱۳۹۶). گفتمان اعتدال با برانگیختگی زنان جامعه به مثابه نیمی از جمعیت، توانست بر گفتمان قبلی فائق آید؛ چرا که زنان، نظم ایجاد شده از طرف گفتمان پیشین را برای موقعیت خود آسیب زا می‌دانستند و آن را نه تنها راه حل مشکل، بلکه بخشی از مشکل تصور می‌کردند (عظیمی دولت آبادی و علی پور، ۱۳۹۸: ۵۴-۵۳). این گفتمان با ابراز اینکه «در دولت ما تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعدادهاى آنها مدنظر است، دوگانگی میان نقش زنان در خانه و بیرون نفی می‌کرد و بر گزاره‌هایی همچون «انتخاب با خود زنان است» و «زنان برای برگزیدن نقش خود نیازی به قیم ندارند»، تاکید می‌ورزید. روحانی نشانه «برابری زن و مرد» را که دالی تهی در گفتمان اصول گرایی بود را به دال مرکزی گفتمان خود درباره زنان تبدیل می‌کند (سخنرانی‌های روحانی در ستاد انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲). گفتمان اعتدال با مفصل‌بندی و معنا دهی به نشانه‌های مورد چشم پوشی گفتمان پیشین در برنامه پنجم توسعه، به تدوین برنامه ششم توسعه اقدام نمود (علی پور و زاهدی، ۱۳۹۶: ۲۲۱-۲۲۰). دال شناور زنان در برنامه پنجم توسعه در گفتمان اصول گرایی، در شکل نشانه مرکزی «تحکیم خانواده» تثبیت شده بود، اما برنامه ششم توسعه با نقد ساختار گفتمان پیشین و بازتعریف نوآورانه از مفهوم عدالت جنسیتی (ترکیبی از الگوی عدالت مساوات گرایانه در گفتمان اصلاح طلبی و عدالت استحقاقی در گفتمان اصول گرایی) به زن به مثابه سوژه مستقل و در عین حال وابسته به خانواده، مدل‌های هم راستا با نشانه عدالت جنسیتی را تثبیت نمود (علی پور و زاهدی، ۱۳۹۶). مطابق با گفتار روحانی: «لایحه حمایت از خانواده موجب حمایت از خانواده نمی‌شود... از این رو در دولت آینده لوائح خاصی برای حمایت از زنان تدوین و به مجلس ارائه می‌شود» (سخنرانی‌های روحانی در ستاد انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲). بازنگری در قوانین فقهی در حمایت از زنان با به چالش کشیدن

قوانین تبعیض آمیز ناشی از گفتمان اصولگرایی از نشانگان مهم گفتمان اعتدال بوده است. در بیان روحانی: «دولت تدبیر و امید در چارچوب فقه با توجه به زمان و مکان، لویحی برای حمایت از زنان در مجلس ارائه می‌کند» (سخنرانی‌های روحانی در ستاد انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲). بدین ترتیب در برنامه ششم، دال مرکزی و اصلی «عدالت جنسیتی» همراه با نشانه‌های فرعی ذیل آن یعنی راهبرد اصلاح نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با زنان و خانواده که در سند برنامه مطرح شده است، اهمیت می‌یابد. دال «عدالت حقوقی» نیز هم ارز با دال مرکزی عدالت جنسیتی در برنامه ششم تصویر شد. در مورد بازنمایی گفتمان‌های زنان و توسعه در سند و برنامه ششم توسعه می‌توان ادعا کرد که رویکرد حاکم برگفتمان اعتدال، با رویکرد «جنسیت و توسعه» همخوانی بیشتری دارد زیرا به مسائلی مانند روابط نابرابر مرسوم بین زنان و مردان و روابط نابرابر قدرت که از توسعه عادلانه و مشارکت کامل زنان جلوگیری کرده و به انقیاد زنان می‌انجامد، توجه بیشتری می‌کند (علی پور و زاهدی، ۱۳۹۴: ۲۲۳). بر این اساس، تاکید بر عدالت حقوقی، آموزشی و اقتصادی و توانمندسازی دختران و زنان در تحصیل و رفع موانع فقهی و قانونی آنها به مثابه عوامل موثر در کاهش ازدواج زود هنگام و کودک همسری اهمیت می‌یابد.

بر همین اساس، شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری اسلامی، به معضلات کودک همسری و آسیب کودک بیوگی در ایران اشاره نمود (مولاوردی، ۱۳۹۲). با این وجود، دولت یازدهم شرایطی برای برداشتن گام‌های موثر اجرایی در زمینه حل مسئله کودک همسری فراهم نکرد و از این رو سیر سعودی کودک همسری همراه با پیامدهای منفی آن افزایش یافت. براساس آمار رسمی ثبت شده، بیشترین آمار ازدواج و طلاق کودکان در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، فارس، زنجان، تهران، همدان، مازندران در این دوره ثبت گردید (ریحانی، ۱۳۹۹: ۱۶۰). در همین دوره، طیبه سیاوشی (نماینده مجلس شورای اسلامی) با اشاره به وجود ۲ هزار کودک بیوه در کشور، به سقط جنین‌های مکرر برخی کودکان ابراز نگرانی کرد. بدین ترتیب، طرح افزایش سن ازدواج کودکان تحت تاثیر آمار افزایش تعداد کودک همسری و تبدیل آن به کودک بیوه‌ها کلید خورد (مظفریان، ۱۴۰۰: ۱۶۶-۱۶۵). فعالان حقوق کودک و فراکسیون نمایندگان زن مجلس دهم شورای اسلامی، خواستار افزایش حداقل سن ازدواج به ۱۶ سال و برای پسران به ۱۸ سال و ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال شدند. این طرح آن‌ها با نام «طرح کودک همسری» در جلسه علنی مهر ماه ۱۳۹۷ مجلس با یک فوریت تصویب شد. اما کمیسیون حقوقی و قضایی این طرح را متوقف کرد. طرح ممنوعیت ازدواج زیر ۱۳ سال به طور کلی در کمیسیون مجلس رد شد. دلایل مخالفان بیش تر مسائل فقهی و شرعی عنوان شد و البته بیان داشتند که این طرح کپی برداری از طرح‌های غربی است (مظفریان، ۱۴۰۰: ۱۶۸-۱۶۷). رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در گفتگو با ایرنا دلایل مخالفت خود با کودک همسری را چنین بیان

کرد که «در حال حاضر آیا درست است که ازدواج زیر ۱۳ و ۱۵ را با وجود مساله بلوغ جنسی زودرس کودکان ممنوع کنیم؟» (ایرنا، ۱۳۹۵). محسن قرائتی در ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ درباره سن ازدواج چنین بیان داشته است: «در مورد ازدواج باید عجله کرد و دختر و پسر باید ازدواج کنند، البته من با ازدواج دانشجویی مخالفم، بلکه ازدواج باید دبیرستانی باشد زیرا دختران در سن ۱۳ سالگی شوهر می‌خواهند و آن کسی که او را خلق کرده است بهتر می‌داند که او برای چه چیزی بهتر است. در برخی جاها باید عجله کرد و یکی از این جاها ازدواج فرزندانمان است. زمانی که موقع ازدواج دخترانمان است باید برای آن عجله کرد، نه اینکه بگوییم درسش تمام شود و بعد. برای پسر هم همین گونه است، بنابراین برای ازدواج و امورات خیر باید عجله کرد، زیرا شیطان وسوسه می‌کند» (احمدی، ۱۳۹۶: ۹۲). بدین ترتیب، رویکرد گفتمان اعتدال برای اصلاح نگرش‌های فقهی و عرفی در جهت بالا بردن سن ازدواج و مبارزه با پدیده ازدواج زود هنگام و کودک همسری در نهایت ناکام ماند. بدین ترتیب، آنچه همچنان به مثابه واقعیت جامعه ایرانی در این زمینه مشهود است، این واقعیت است که مقاومت گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی و اصول‌گرایی در مقابل هرگونه تغییر مطابق با ارزش‌های جهان معاصر و پایبندی به اصول گفتمان دینی و سنتی حاکم توسط بسیاری از خانواده‌ها سبب شده تا دختران و پسران کم سن و سال گرفتار مشکلات ازدواج زود هنگام شوند. در چنین شرایطی، بسیاری از خانواده‌ها معتقد هستند که ازدواج زود هنگام فرزندانمان را از خطر فحشا، رابطه‌های جنسی خارج از ازدواج یا بارداری‌های خارج از ازدواج (دختران) حفظ می‌کند (مظفریان، ۱۴۰۰: ۱۳۲). بدین ترتیب، جایی که شریعت ازدواج در سنین پایین را تشویق می‌کند و این عمل را از طریق ازدواج موقت (صیغه) مشروع می‌نماید، معضل انگاری این عمل فقط به صورت سطحی و برای تلاش در جهت جلب رضایت جامعه بین‌المللی معنی پیدا می‌کند.

## نتیجه‌گیری

در بررسی سیر تحول در بازنمایی زن در گفتمان‌های اسلامی و نسبت آن با کودک همسری می‌توان به این نتیجه‌گیری نهایی دست یافت که گفتمان اسلام سنتی با تمرکز حول محور «مادر و دختر محجبه خانه دار، عفاف، باحیا، متشروع و مطیع شوهر و پدر» به مثابه دال مرکزی، ازواج زود هنگام دختران مطابق با قانون شریعت پس از بلوغ و زیر سن ۱۵ سالگی را موجب می‌گردید. این گفتمان در دوره پسامشروطه از جانب گفتمان مدنی که دال مرکزی آن «زن و دختر تحصیل کرده آزاد و برابر با مردان و فعال و کنشگر در حوزه عمومی» بود، به چالش کشیده شد و مطابق آن ازدواج زود هنگام دختران پس از بلوغ و زیر سن قانونی که به اجبار پدر صورت می‌گرفت تضعیف گردید. بدین ترتیب رقابت بین دو گفتمان بصورت دو قطب «ما» و «آنها» سامان پیدا کرد و مطابق با آن بین زن با حجاب و پرده نشین (زن سنتی) و زن بی‌حجاب

و خواهان آزادی حضور در عرصه عمومی (زن متجدد) تقابلی گفتمانی شکل گرفت. در دوره پهلوی و در عصر مبارزات انقلابی گفتمان اسلام‌گرایانه‌ای ظهور و بروز یافت که در صورتبندی گفتمانی خود از دال‌های شناور در دو گفتمان سنتی و مدرن بهره گرفت. دال مرکزی گفتمان اسلام سیاسی اصلاح‌گرایانه «زن و دختر محجبه، عفوف، متشرع، باحیا و در عین حال دارای برابری با مردان از حیث فعالیت و کنشگری در عرصه‌های مختلف جامعه و نظام سیاسی اسلامی» همچون آموزش، پژوهش، بهداشت، نهادها، اقتصاد، سیاسی و فرهنگی بود. با این حال گفتمان اسلام سنتی همچنان توانست خود را در دوره پسا احمدی نژاد بازسازی کند و دال مرکزی «مادر یا دختر خانه دار محجبه متشرع، عفوف و با حیا و محدود در حوزه خصوصی» را در محور نظر و عمل قرار دهد و با تاکید بر ازدواج زود هنگام پس از بلوغ و زیر سن قانونی، به کودک همسری مشروعیت بخشد.

بروز مساله کودک همسری همراه با همه تبعات و معضلات عموماً نامطلوب آن که خود بطور مستقل در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی قابل بررسی و پژوهش است، در تاریخ معاصر ایران خود تابعی از وضعیت کلی زنان در جامعه و بطور خاص نحوه بازنمایی و جایگاه زن در گفتمان‌های حاکم و رقیب در ادوار مختلف تاریخ معاصر از عصر مشروطه تا پهلوی و جمهوری اسلامی بوده است. جامعه ایران معاصر در زمینه مساله زنان عرصه ستیزش و رقابت میان گفتمان مدرن و گفتمان‌های اسلام سنتی و اسلام سیاسی اصول‌گرا و اصلاح طلب بوده است. نحوه باز نمود زن در هر کدام از گفتمان‌های فوق از جهت نسبت زن و مرد در ساختار خانواده و جامعه، سن ازدواج، مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تبعیت و انقیاد یا آزادی و برابری، بر موضوع کودک همسری از جهت توجیه یا رد و نفی آن تاثیر گذار بوده است. گفتمان‌ها بسته به موضع خود درباره سن ازدواج، به ترویج یا تقبیح ازدواج زود هنگام کودکان دختران پرداخته‌اند. گفتمان‌های اسلام سنتی و اسلام سیاسی اصول‌گرا با به برنامه ریزی و سیاست گذاری بر مبنای تفاوت جنسیتی، بر حجاب و باز تولید فضای جداگانه برای حفظ جدایی جنسیتی و تاکید بر حضور زن در حوزه خصوصی و خانواده و ایفای نقش مادری و فرزند پروری از اوان بلوغ تاکید داشته‌اند و بدین ترتیب با ترویج و تشویق ازدواج زود هنگام از اوان بلوغ به زمینه سازی معنایی و اعتقادی کودک همسری دامن زده‌اند. این در حالیست که گفتمان‌های مدرن، نو اندیشی دینی و اصلاح طلبی با تلاش برای تعریف حداقل سن ازواج مطابق با مقتضیات و ارزش‌های جامعه معاصر، به سمت طرح و اجرای سیاست گذاری‌های عدالت جنسیتی با تمرکز بر روی آموزش، بهداشت، مشارکت و اشتغال زنان حرکت کرده‌اند. با این حال، در میدان رقابت میان گفتمان‌ها، گفتمان‌های مدرن، نو اندیشی دینی و اصلاح طلبی در مقابل گفتمان اسلام سنتی و اسلام سیاسی اصول‌گرا شکست خورده‌اند و بدین ترتیب گفتمان‌های اسلام سنتی و سیاسی در محقق کردن ارزش‌های خود در حوزه زنان، ازدواج و خانواده که نمود



اصلی آن ترویج و افزایش کودک همسری برای دختران و در پی آن افزایش موالید و جمعیت بوده است، به غلبه دست پیدا می‌کند.

## منابع

- احمدی، کامیل (۱۳۹۶)، **طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران**، چ اول، تهران، نشر شیرازه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، **خانه‌ای بر روی آب: در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران**، چ اول، تهران، نشر شیرازه.
- اردستانی، علی و صدیقه یوسف مدد (۱۳۹۵)، **گفتمان اسلام سیاسی و ظهور هویت زنانه در دوره پهلوی، فصلنامه سیاست**، دوره ۴۹، ش ۱، بهار ۱۳۹۸، ص ۲۰-۱.
- افتخارزاده، زهرا (۱۳۹۴)، **تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی**، دوره ۲، شماره ۳
- افضلی، رسول و عظیم زمانی (پاییز ۱۴۰۰)، **سیاست هم‌زمنی و ساخت سیاسی فضا، آمایش سیاسی فضا**، دوره ۳، ش ۴.
- انصاری، منصور (۱۳۸۵)، **اسلام سیاسی: زمینه‌ها و پیشگامان**، پژوهش نامه متین، ۳۴/۳۵.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، **دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلالی، تهران، نشر نی.
- بخشایش اردستانی، احمد (زمستان ۱۳۸۸)، **بنیادگرایی اسلامی و مدرنیته: تعامل یا تقابل**، مطالعات سیاسی، سال ۲، ش ۶.
- بهرامی برومند، مرضیه (زمستان ۱۳۹۵)، **دیگری در اندرونی (واکاوی فضای جنسیتی)**، چ اول، تهران، نشر تیسرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹)، **از زنان پرده نشین تا بدن‌های رام**، چ اول، تهران، نشر لوگوس.
- بستان، حسین (۱۳۸۸)، **اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی**، جلد اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پناهنده، هومن (اردیبهشت ۱۳۷۹)، **ابهام در تعبیر مسئله ی زنان در ایران**، زنان، سال هشتم، ش ۶۳.
- تشکری، زهرا (۱۳۸۱)، **زن در نگاه روشنفکران**، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: **دفتر مطالعات و تحقیقات زنان**، قم، طه.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۸۹ق)، **تفسیر روان جاوید**، تهران، انتشارات برهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، **رسائل حجاییه**، قم، نشر دلیل ما.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۷)، **تدوین لایحه‌ای جدید برای مقابله با کودک همسری**، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.

- جهانگردی، محسن (۱۳۸۵)، **بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد**، قم، موسسه بوستان کتاب.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۲)، **تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار**، چ دوم، تهران، نشر قصیده سرا.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۹)، **زن در مثل: امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی**، چ دوم، تهران، نشر فروزان روز.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، **اسلام سیاسی در ایران**، قم، نشر دانشگاه مفید.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲)، **هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی**، چ ۲، تهران، پیام امروز.
- خلیلی، محسن (پاییز ۱۳۸۶)، **آسیب شناسی مشارکت سیاسی زنان در جامعه معاصر ایران، پژوهش زنان**، دوره ۵، ش ۲.
- خاتمی، محمد (۱۳۷۹)، **انسان ملتقای مشرق جان و مغرب عقل**، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، وزارت امور خارجه.
- دیالافوا، مادام (۱۳۶۱)، **سفرنامه مادام دیالافوا: ایران و کلد، ترجمه و نگارش علی محمد فره وشی**، چ دوم، تهران، خیام.
- دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها (۱۳۷۶)، **زن در آینه مطبوعات**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۲)، **سخنرانی‌های انتخاباتی حسن روحانی**.
- ریحانی، تارا (۱۳۹۹)، **بررسی جایگاه نهادهای قانونگذار در کاهش پدیده کودک همسری در ایران**، **نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی**، تابستان ۱۳۹۹، ش ۵۰.
- زائر کعبه، رحیم و فردین قریشی (۱۳۹۸)، **زمینه‌های جامعه شناختی تحول گفتمان عدالت در دولت‌های... دو فصل نامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه**، سال نهم، ش دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- سادات شفیعی، سمیه و زهرا پورباقر (۱۳۹۳)، **مطالعه ی جنسیتی شاخص‌های توسعه در اجرای برنامه چهارم، فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی**، دوره سوم، ش ۴، بهار ۱۳۹۴، ص ۷۵-۱۱۰.
- سراج زاده، حسین و محمد جواد غلامرضا کاشی (۱۳۹۱)، **گفتمان جامعه پاک: شالوده شکنی سیاست نمایش بدن زنانه در دوره پهلوی، مطالعات فرهنگ و ارتباطات**، ش ۲۶.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷)، **آزادی، عدالت و دین داری**، مصاحبه با روزنامه آریا، ش ۱۳۷۷/۸/۷۶۶.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳)، **تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش**، **فصل نامه علوم سیاسی**، سال هفتم، ش ۲۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشرنی.

سعیدی، سعیده (۱۳۹۶)، بررسی مردمنگارانه پدیده ازدواج زود هنگام در میان مهاجران افغان، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱.

شجاعی زهرا (۱۳۸۴)، برای زنان فردا، تهران، معاونت امور مشارکت زنان، انتشارات سوره مهر، ج دوم.  
صادقی، فاطمه (۱۳۹۰)، زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب، لندن، نشر زنان و قوانین در جوامع مسلمان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، جنسیت در آرای اخلاقی از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری، تهران، نشر نگاه معاصر.

صادقی فسایی، سهیلا و همکاران (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان سه دوره اجرایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه وضعیت اجتماعی زنان، دو فصل‌نامه علمی و پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال چهارم، ش هفتم.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۳۸)، زن در اسلام، ماهنامه مکتب تشیع، ج ۱، ش ۱.  
عظیم زاده اردبیلی، فائزه (تیرماه ۱۳۸۸)، آثار و گستره اذن ولی در نکاح دوشیزه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عظیمی دولت آبادی، امیر و پروین علی پور (۱۳۹۸)، تحلیل جایگاه زنان در خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی، نشریه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره سوم (سری جدید)، ش ۱، پیاپی ۹.

علی پور، پروین و محمد جواد زاهدی (۱۳۹۶)، تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶ ش ۲.

فروتن، یعقوب (۱۳۸۱)، زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی، با اشاراتی به انتقال باروری در ایران، فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۴، ص ۱۱۰-۹۱.

فدائیان اسلام (۱۳۲۹)، رهنمای حقایق، در رسول جعفریان (ویراستار) در سال ۱۳۸۴، رسائل سیاسی-اسلامی در دوره پهلوی، ج ۱، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قاسمی، یارمحمد و مهرداد نوابخش (۱۳۹۶)، جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی: با تأکید بر گفتمان امام خمینی، فصل‌نامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ، سال نهم، ش ۳۵، بهار ۱۳۹۷.

قجری، حسینعلی، جواد نظری (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.  
قریشی، فردین (بهار ۱۳۸۶)، مبانی معرفت‌شناسانه اصلاح طلبی دینی: تحریر چالش‌های نظری و بسط پاسخ‌های نظریه، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۸۳-۱۶۱.

کسرای، محمدسالار و مریم طهماسبی (۱۳۹۳)، گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی)، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، ش ۲۲، بهار ۱۳۹۴.

صفوی، حنا سادات و ماه گل مینایی (۱۳۹۴)، تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر، ویژه نامه پژوهشنامه زنان، سال ۶ شماره ۱

کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۳۶۸-۳۵۲.

کدیور، محسن (مهر ۱۳۹۰)، بازخوانی حقوق زنان در اسلام: عدالت مساواتی بجای عدالت استحقاقی، وبسایت محسن کدیور

کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، فصل نامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۳.

گروه مشاوران جوان مرکز امور زنان (۱۳۸۹ و ۱۳۹۲)، زنان و خانواده در اندیشه دولت مهر، مرکز امور زنان و خانواده.

گزارش رئیس جمهور به مردم، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۹/۱۲/۲۷.

مجله زن روز (۱۳۶۱-۱۳۶۰-۱۳۵۹)، تصویر روی جلد، ش ۷۷۵ و ۷۶۹. و «گفتار معصوم، زن و خانواده»، ش ۸۶۲.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۱)، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، بهار ۱۳۹۰.

مظفریان، رایحه (۱۴۰۰)، گره ازدواج زود هنگام در ایران، تهران، نشر ماهریس.

مونس الدوله (۱۳۸۰)، خاطرات مونس الدوله: ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه، سیروس سعدوندیان، تهران، نشر زرین.

موسوی، منصوره (بهار ۱۳۹۶)، زنانگی و بدن: نگاه جامعه شناسانه به بلوغ، چ دوم، تهران، نشر فیروزه.

\_\_\_\_\_ (بهار ۱۳۹۸)، تابوی زنانگی، چ دوم، تهران، نشر فیروزه.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، اسلام و مقتضیات زمان، چ دوم، تهران، نشر صدرا.

مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، انتشارات اطلاعات.

مولوردی، شهیندخت (۱۳۹۲)، پدیده‌ی نوظهور کودک بیوه، حقوق زنان، شماره ۳۱.

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۲)، زنان در آئینه اصلاحات، تهران، انتشارات برگ زیتون.

مجتهدشبهستری، محمد (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران، طرح نو.

میراحمدی، منصور (۱۳۹۲)، نگاهی دوباره: بازخوانی اندیشه‌های آیت الله دکتر بهشتی، قم، دانشگاه مفید، ص ۳۵۰-۳۴۴.

- مقدادی، محمد مهدی و مریم جواد پور (۱۳۹۶)، تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال ۱۱، شماره ۴۰
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹)، *زن، مرد کدام تصویر؟*، زنان، سال نهم، ش ۶۴.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹)، *نواندیشی دینی و مسئله زنان*، بازتاب اندیشه، ش ۴.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، دوره بیست و دو جلدی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ ه ق)، ج دوم، *تحریر الوسیله*، قم، دارالعلم.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۴)، تحول گفتمان سیاسی تشیع در قرن بیستم، *فصل نامه سیاست*، دوره ۳۸، ش ۱، بهار ۱۳۸۷.
- نقش زنان در توسعه (۱۳۷۲)، *دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد*، تهران، نشر روشنگران.
- نوروزی نژاد، جعفر و علی مختاری (بهار ۱۳۹۴)، تبارشناسی هویت گفتمان اعتدال در زیست جهان فرهنگی ایران معاصر، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال نهم، ش ۳۰.
- نشریه جهان زنان (۱۳۰۰)، شماره های ۳ و ۵.
- همتی، مراد (مرداد ۱۳۷۹)، بانگ یک بعدی زنان را به دین بدبین نکنید، *زنان*، سال نهم، ش ۶۶.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۷)، *ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلام*، تهران، موجودی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۶۴)، *خطبه نماز جمعه تهران*، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۴.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۱)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران، نشر میزان.
- یورگنسن، ماریان، لویز فیلیس (۱۴۰۰)، *نظریه و روش تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چ دهم، تهران، نشرنی.
- Asghari, Shamin (2019), Early Marriage in Iran: A Pragmatic Approach, *Journal of Rights Practice*, 11, 2019, 569-588.
- Dargahi, Shilan (2022), *A take on early child marriage in Iran* (Version 1; Peer review: 2, Department of Economics, University, Brighton United Kingdom).
- Dargahi, Shilan (2021), *A take early child marriage in Iran*, Department of Economics, University of Brighton, United Kingdom.
- Laclau, Ernesto and Chantal Moufe (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, London: Verso.
- Rabbani, Zoha (2022), Iranian Women Political Participation Compared to Women in other Muslim Countries and Regions, *Journal of Political Studies of Islamic World*, Vol 10, No 4.
- Rahbari, Laden (2022), Marriage Parentage and Child Registration in Iran, *Social Sciences*, (2022, 11, 120). <https://doi.org/10.3390/socsci11030120>.
- Vakil, Saman (2011), Woman and politics in Islamic Republic of Iran, <https://www.amazon.com/Women-Politics-Islamic-Republic-Iran/dp/1441197346>.